

بررسی و تحلیل رمان باخیتا (اثر ورونیک اولمی)

شیوا واحد^۱

چکیده

رمان باخیتا سیزدهمین رمان ورونیک اولمی نویسنده فرانسوی است. این اثر جوایز بسیاری از جمله جایزه گنکور شرق ۲۰۱۷ را به خود اختصاص داده است. اولمی در این رمان در مقام راوی دانای کل سرگذشت دختری سودانی را روایت می‌کند که در سن ۷ سالگی ربوده شده و تمام وحشت‌ها و رنج‌های بردگی را متحمل شده است؛ در نهایت باخیتا از بردگی رهایی یافته، به دین مسیحیت می‌پیوندد و پس از مرگش «قدیسه» خوانده می‌شود. بردگی موضوع اصلی این اثر است، موضوعی که به نظر می‌رسد مدت‌هاست پایان یافته، اما با کمی جستجو می‌توان دریافت همچنان اثراتی از آن باقی‌مانده است، اگرچه شکل و نوع آن نسبت به گذشته تغییرات فراوانی کرده است. در این اثر تا حدی به رویدادهای تاریخی دیگر چون جنگ جهانی اول و دوم نیز پرداخته شده است.

۱. دانشجوی دکتری، آموزش زبان فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، S.vahed@modares.ac.ir

۱. مقدمه

با این‌که حدود ۱۵۰ سال است که از ممنوعیت برده‌داری در بیشتر کشورها می‌گذرد، اما هنوز میلیون‌ها مرد، زن و کودک در نقاط مختلف جهان به بردگی گرفته می‌شوند [۱]. در سال ۲۰۱۷ منتخب جایزه گنکور شرق «رمان باخیتا» به این مسئله پرداخته است. این رمان اثر ورونیک اولمی نویسنده فرانسوی است. عنوان کتاب «باخیتا» اسمی خاص و نامی چند معنایی است؛ در کل به معنای خوش‌شانس و خوش اقبال است، در زبان عبری به معنای کسی است که اشک می‌ریزد و در زبان ایتالیایی ثروت^۱ به دست آمده است [۲]. هرکدام از این معانی بیانگر زندگی پر فراز و نشیبی است که این زن پشت سر می‌گذارد. همان‌گونه که اولمی در مصاحبه خود بیان می‌کند: پس از دیدن عکس باخیتا در کلیسا شهر تورن^۲ شروع به نوشتن داستان زندگی این برده رنج‌دیده می‌نماید [۲].

۲. معرفی نویسنده

ورونیک اولمی رمان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس و بازیگر فرانسوی در سال ۱۹۶۲ در شهر نیس^۳ به دنیا آمد. او در سال ۱۹۸۹ تحصیلاتش را در رشته هنرهای نمایشی به پایان رساند و سپس به نمایش‌نامه‌نویسی پرداخت. نخستین نمایش‌نامه او با نام «تا فردا، مودیگلیانی» در سال ۱۹۹۰ انتشار یافت. او در سال ۱۹۹۷ برای نمایش‌نامه «عبور» موفق به کسب جایزه بنیاد پُست^۴ گردید. اولمی در سال ۱۹۹۸ با انتشار مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه با عنوان «خصوصی» به داستان‌نویسی روی آورد. در سال ۲۰۰۱ نخستین رمان خود را با نام «کنار دریا» منتشر کرد، در سال ۲۰۰۲ برای این اثر موفق به کسب جوایز بنیاد پست، تئاتر CIC^۵ و آلن - فورنیه^۶ شد. او در

۱. ثروت در معنای معنوی کلمه که همان اقبال است.

2. Touraine
3. Nice
4. Le Prix de la Fondation de La Poste
5. Prix CIC Théâtre
1. Prix Alain-Fournier

سال ۲۰۰۹ برای نمایش‌نامه «یک جدایی» موفق به کسب جایزه بومارشه- دورانس^۱ گردید، و در سال ۲۰۱۱ رمان او با نام «تابستان آن سال» جایزه خانه مطبوعات^۲ را به خود اختصاص داد.

در مقاله حاضر به بررسی رمان باخیتا، آخرین اثر اولمی می‌پردازیم. اولمی برای این رمان موفق به کسب جوایز متعددی از جمله: جایزه رمان فنک ۲۰۱۷^۳، پاتریموآن BPE ۲۰۱۷^۴، رهیافته نهایی برای دریافت جایزه لاندِرِنو^۵ و فمینا^۶ سال ۲۰۱۷ برای «باخیتا» و در نهایت جایزه گنکور شرق ۲۰۱۷ شده است.

ورونیک اولمی علاقه ویژه‌ای به جملات کوتاه دارد. سبک او سبکی بی‌آلایش است و قهرمان‌های رمان‌هایش زنان قهرمانی در معنای تراژدی هستند. داستان آثار اولمی بیشتر پیرامون بحران‌هایی عمیق شکل می‌گیرند، بحران‌هایی در روابط خانوادگی یا اجتماعی، بحران‌هایی که در نهایت به بهبودی یا تباهی و حتی مرگ منجر می‌شوند [۳]. گفته می‌شود که «اگر به دنبال داستان‌های عاشقانه غمگین و حزن‌آلود با دیدی زنانه هستید، با آثار ورونیک اولمی می‌توانید به این تجربه دست یابید» [۴].

آثار اولمی به چند زبان ترجمه شده و نمایش‌نامه‌هایش در نقاط مختلف جهان به اجرا درآمده است. نمایش‌نامه «نقطه سر خط» نخستین اثری است که از او به زبان فارسی منتشر شده است. دیگر آثار ترجمه شده از این نویسنده فرانسوی به شرح زیر است. خط ساحلی، میثم سراج، انتشارات سرزمین اهورایی که همین اثر را آوا قائمی در سال ۹۶ با عنوان کنار دریا در انتشارات چترنگ به چاپ رسانده است. یک جدایی، مریم مفرحیان، نشر ورا؛ شب حقیقت، عاطفه حبیبی، انتشارات چترنگ؛ و کتاب باخیتا را نیز با عنوان بخیته، عاطفه حبیبی برای انتشارات چترنگ ترجمه کرده است.

2. Prix Durance-Beaumarchais SACD

3. Prix des Maisons de la Presse

4. Prix du roman Fnac 2017

5. Prix Patrimoines BPE 2017

6. Prix Landerneau des lecteurs 2017

7. Prix Femina 2017

از فراوانی ترجمه‌ها و همچنین تجدید چاپ کتاب نقطه سر خط (۸۹ و ۹۲) ترجمه سمیرا قرائی (نشر نی) می‌توان دریافت که آثار اولمی در ایران از اقبال خوبی برخوردار شده است.

۳. خلاصه کتاب به روایت پشت جلد

در سن ۷ سالگی در روستای دارفور^۱ ربوده شده و تمام وحشت‌ها و رنج‌های بردگی را متحمل می‌شود. هنگامی که برای چندمین بار در سن نوجوانی کنسولی ایتالیایی او را می‌خرد، وارد کشور نابرابری‌ها، فقر و محرومیت می‌شود. پس از محاکمه‌ای که در شهر ونیز برگزار می‌گردد از بردگی رهایی یافته، به دین مسیحیت می‌پیوندد و با وقف زندگی خود برای کودکان فقیر، جنجال‌های دو جنگ جهانی و فاشیستی را از سر می‌گذراند.

باخیتا رمان منقلب‌کننده این زن استثنایی است که اسارت، خدمتکاری، مذهب و قدیسی را تجربه می‌کند. ورونیک اولمی با قدرت تداعی بی‌نظیر، سرنوشت، نزاع‌های باورنکردنی، قدرت و عظمت روحی را بازسازی می‌کند که منبع پنهان آن خاطرات دوران کودکی باخیتا پیش از ربوده شدن است.

۴. معرفی و تحلیل کتاب

کتاب باخیتا در ۴۶۴ صفحه از دو بخش (از بردگی تا رهایی و از رهایی تا قداست) و از زیر بخش‌هایی بدون عنوان تشکیل شده است. در آغاز کتاب نقل قولی برگرفته از کتاب زندگی‌نامه شخصی پریمو لوی^۲ «اگر این یک انسان است» بیان شده که تا حدی گویای خلاصه داستان کتاب باخیتاست: «همه چیز، حتی ناممان را به تصرف خود درمی‌آورند و اگر می‌خواهیم این نام را برای خود حفظ کنیم باید در خود نیروی لازمی بیابیم تا چیزی از خود و از آنچه که بوده‌ایم در پس این نام به جای ماند» [۵].

1. Darfour

2. Primo Levi

در این رمان واژگان و جملات کلیدی و واژگان زبان‌های دیگر (عربی، ایتالیایی و ترکی) به صورت ایتالیک نوشته شده‌اند و واژگان عربی رسم‌الخط فرانسه دارند. برخی جملات مانند ترانه دوران کودکی باخیتا و... بسیار تکرار می‌شوند. سودان و ایتالیا مکان‌های وقوع داستان باخیتاست و از جمله مؤلفه‌های تاریخی آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- جنبش مهدی سودانی یا جنبش المهدی: مهدی سودانی که خود را احمد بن عبدالله می‌نامد، طلبه علوم دینی است که طی سال‌های ۱۸۸۱-۱۸۸۲ در سودان علیه نیروهای مصری، ترکی و انگلیسی شورش می‌کند و باعث خروج اشغالگران می‌شود.
 - فتح سودان به دست بریتانیایی‌ها (انگلیسی‌ها): در سال ۱۸۹۶، مهدی سودانی در جنگ با نیروهای انگلیسی به قتل می‌رسد و انگلستان بر سودان تسلط کامل می‌یابد.
 - جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) و پیوستن ایتالیا به گروه متفقین در سال ۱۹۱۵.
 - انقلاب بلشویک؛
 - جنگ استعماری ایتالیا علیه اتیوپی؛
 - جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) و حمله هیتلر به ایتالیا؛
- موضوع اصلی داستان باخیتا برگرفته از ماجرای واقعی و بردگی و رنج بسیار آن و رنج زندگی در جنگ به ویژه جنگ جهانی اول و دوم است. اولمی با برگزیدن این موضوع مقاومت یک زن در برابر زندگی را به خوبی نشان می‌دهد و این‌جاست که می‌توان به اهمیت عقاید تودوروف (فیلسوف، مورخ و نشانه‌شناس بلغاری-فرانسوی) پی برد، وقتی می‌گوید: «ادبیات با به صحنه کشیدن انسان‌هایی که شبیه به من هستند به من می‌آموزد چگونه باید زیست» [۶].
- سبک اولمی در این کتاب، سبک رئالیستی، قصه‌گویی و قهرمان‌پروری است. هنگام دیدار از کلیسای شهر تورن، اولمی پرتره باخیتا را می‌بیند و شیفته آن می‌گردد. اولمی تصمیم می‌گیرد تا داستان زندگی این برده رنج‌دیده را به تصویر

بکشد. او برای نوشتن این رمان ضمن انجام تحقیقات بسیاری درباره بردگی اواخر قرن ۱۹ در سودان، ملاقات‌های بسیاری را هم با فرد مورخی داشته است. به ایتالیا سفر می‌کند تا از مکان‌های زندگی باخیتا بازدید نماید و با خواهران روحانی به صحبت بنشیند [۷].

داستان باخیتا سرشار از عشق باخیتا به خانواده به ویژه به مادرش است، همین عشق به او امید و آرزوی ادامه زندگی می‌دهد تا بتواند روزی نزد خانواده‌اش برگردد، خواهرش کیشمه^۱ را که پیش از او ربوده شده بیابد و همراه او به روستای محل تولدش برود. در این رمان زندگی‌نامه‌ای، ناتوانی در درک زبان‌ها، فرهنگ‌ها و رفتارهایی روشن می‌شود که هنوز برای کودکی ۷ ساله ناشناخته است. در کاربرد نام باخیتا به معنای «خوش شانس، خوش اقبال» نوعی طنز و طعنه وجود دارد؛ سرنوشت رقت‌انگیز او با نامی که برایش برمی‌گزینند در تضاد کامل است. اولمی این نام را به نشانه زندگی همراه با خشونت، اما در نهایت تبدیل به بهترین شکل برگزیده است و همان‌طور که خود اولمی می‌گوید «برای این‌که داستانی شگفت‌انگیز باشد، باید سرآغازی مخوف داشته باشد» [۵].

اولمی با سبکی لطیف توجه خواننده را به گونه‌ای جلب می‌نماید که نمی‌توان از خواندن بازایستاد. توصیف‌ها بسیار دقیق و گیراست. زمان گذشته و حال را درهم می‌آمیزد، به گونه‌ای که راوی وقایع حال شخصیت اصلی را روایت می‌کند که همواره به زندگی قبل از ربوده شدن خود، به خانواده می‌اندیشد. اصالت و جذابیت موضوع از دیگر نقاط قوت داستان است. جنبه تاریخی آن به بهترین شکل جلوه‌گر می‌گردد، زیرا در این داستان به خوبی نشان داده می‌شود که چگونه موسولینی‌ها و فاشیست‌های ایتالیایی چندین سال پیش از تصرف ایتوپی از افرادی چون باخیتا برای بی‌گناه جلوه دادن ایدئولوژی‌هایشان استفاده کرده‌اند [۸].

از نقاط مورد انتقاد این اثر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد [۸]:

- از آنجا که داستان باخیتا الهام از یک ماجرای واقعی است، برخی منتقدین بر این عقیده‌اند که مرز میان واقعیت و تخیل مشخص نیست، اما باید بیان داشت که این امر باعث نمی‌شود جوهره اصلی داستان زیر سؤال برده شود؛ اگر غیر از این بود نقل داستان‌هایی از قبیل داستان پیامبران و ساخت فیلم براساس آن‌ها امکان‌ناپذیر بود.

- از دیگر انتقادات می‌توان به کوتاهی جملات اشاره کرد که به عقیده برخی از نقاط ضعف داستان است، اما از نظر نگارنده نقطه قوت آن است، چرا که موجب می‌گردد خواننده برای درک عمیق داستان نیاز به تحلیل جملات پیچیده نداشته باشد و توجه او به رمزگشایی سطح زبانی معطوف نشود.

۵. ترجمه بخش‌هایی از کتاب

۵-۱- بخش اول صفحه ۳۳، آغاز بردگی

در اتفاقی که آن‌ها او [باخیتا] را محبوس کرده‌اند، نه نوری است نه هرگز شب روز می‌شود. خورشید نمی‌درخشد. نه ماهی است و نه ستاره‌ای. بیرون به زور دیده می‌شود، آن هم از میان سوراخ کوچکی در بالای دیوار. مدت زیادی در آنجا می‌ماند. شاید یک ماه. زمان هیچ ضرب‌آهنگی ندارد و با نگرانی آمیخته است. مادرش را صدا می‌زند، اما مادرش نمی‌آید. با محبت التماسش می‌کند. از او عذر خواهی می‌کند. معذرت می‌خواهم، پیشیمانم، معذرت می‌خواهم، دیگر تکرار نمی‌شود، تنبیهم کن، سرزنشم کن، معذرت می‌خواهم. گه‌گاه مادرش در خیالات و هذیان‌هایش ظاهر می‌شود، این اوهام او را به سمت خویشانش بازمی‌گرداند. آیا مادرش شب‌ها بیدار می‌شود و دنبال او می‌گردد؟ آیا به پدرش التماس می‌کند تا او را دوباره پیدا کند؟ آیا او را به دلیل این‌که زخم عمیق غم‌هایش را بزرگ‌تر کرده است، نفرین می‌کند؟

گاهی فکر می‌کند که تمام زندگیش را آنجا خواهد ماند، با این دو رباینده که شب‌ها با کمی آب و غذا و همچنین خشونت‌هایشان به سراغش می‌آیند، آیا ممکن است؟ آیا این اتفاق می‌افتد؟ آیا تمام دنیا به غیر از این دو مرد او را فراموش می‌کنند؟ آیا تنها برای آن‌ها وجود خارجی خواهد داشت؟

او در تاریکی است، تاریکی‌ای که پس از آن باز آغاز دوباره تاریکی است.

۲-۵- بخش دوم صفحه ۲۴، توصیف مادر

مادرش کودکان بسیاری داشت. همواره تصویری که از مادرش به یاد می‌آورد بدین گونه است: کودکانی دست‌ها و پاهایش را گرفته‌اند، بعضی از آن‌ها در شکمش هستند، بعضی شیر می‌خورند و برخی دیگر پشت کمرش خوابیده‌اند مانند درخت و شاخه‌هایش. این تصویر مادرش است. مادر تمام کودکان، مادری مهربان مانند تمام مادران، آینه تمام زنانی که جان بخشیده‌اند، او همواره جوان و بارور، مهربان و قوی باقی می‌ماند. او عشقی بی‌شرط است، عشقی مطلق و ستم‌کش.

۳-۵- بخش سوم صفحه ۱۷۵، بینافرهنگیت

مقابل منزل کنسول پرچمی در اهتزاز است که ماه پرچم‌های اسلامی را ندارد و برای باخیتا ناآشناست. مردها و زنها در داخل خانه مختلط هستند. زن‌های ایتالیایی صورتشان پوشیده نیست و در میان مردها رفت و آمد دارند. مردها و زنها همه برای صرف غذا در سالنی گرد هم می‌آیند که ویژه برای این کار در نظر گرفته شده است و سالن ناهارخوری نامیده می‌شود. آن‌ها دست‌هایشان را در اتاقی مجزا می‌شویند، غذا را با دست نمی‌خورند و به جای آن از قاشق و چنگال استفاده می‌کنند و هر کدام برای خود لیوانی دارند که مقابل بشقاب‌هایشان گذاشته می‌شود، آشپزخانه هر روز بازرسی و نظافت می‌شود، آن‌ها هیچ‌گاه خدا را عبادت نمی‌کنند، ارباب تنها یک زن دارد که هرگز کسی او را ندیده است، او هر شب در تختی بزرگ، تنها می‌خوابد و درب اتاقش را از پشت با کلید قفل می‌کند، هیچ برده‌ای در اتاق ارباب یا در آستانه درب یا حتی در راهروها نمی‌خوابد.

۴-۵- بخش چهارم صفحه ۴۵۳-۴۵۴، پایان زندگی

دو روز و دو شب است دعاها بر بالین باخیتا شروع شده است. خواهران [روحانی] لب‌هایش را با کمی آب مرطوب می‌کنند، دستش را می‌گیرند، گویی چیزی را به این زن

سالخورده می‌دهند که در کودکی آن‌قدر به آن نیاز داشته است. مراسم تدفین برایش انجام می‌دهند، تمام صومعه بر بالین او بیدار مانده است، کلاس‌ها کنسل شده‌اند، روزه گرفته‌اند [...]، نزدیک شدن مرگش همه را وسوسه کرده سکوت کنند و برای اولین بار خود را در ضرب‌آهنگ باختیا قرار دهند، آهنگی درونی که به این دنیا گره خورده است. متوجه می‌شوند که باختیا چیزی بیش از زندگی با خود به همراه آورده بود.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌طور که اولمی بیان می‌کند: «داستان باختیا، داستان یک نیروی درونی است» [۲]. این کتاب به خوبی زندگی بردگی را به تصویر می‌کشد؛ بحرانی که به نظر می‌رسد سالیان سال است به پایان رسیده، اما همچنان اثراتی از آن در جای جای جهان به چشم می‌خورد. اولمی در این اثر نشان می‌دهد چگونه می‌توان با نیرویی درونی تمام چیزهای با ارزشی را که زمانی از اختیار ما خارج شده‌اند، دوباره به بهترین شکل بازگرداند. با خواندن آثاری مانند این اثر می‌توان به مسائل و مشکلاتی پی برد که به ظاهر از بین رفته‌اند، اما در سکوت به حیات خود ادامه می‌دهند. ترجمه این رمان به زبان فارسی نه تنها آگاهی‌بخش است که می‌تواند امید به زندگی و جدل برای دستیابی به کمال را با الهام از سرنوشت باختیا در روح خواننده ایرانی تقویت کند.

منابع

- <https://www.youtube.com/watch?v=E07MC0s4sKM&app=desktop>
- http://www.unistra.fr/uploads/media/Kleber_Fevrier.pdf
- <http://feedbooks.samaragbi.ru/item/1008028/j-aimais-mieux-quand-c-%C3%A9tait-toi>
- Olmi, V. (2017). *Bakhita*, Albin Michel: Paris
- Todorov, T. (2007). *La littérature en péril*, Flammarion: Paris
- <https://culturebox.francetvinfo.fr/livres/la-rentree-litteraire/bakhita-5-questions-a-veronique-olmi-262437>
- <http://www.lefigaro.fr/livres/2017/12/02/03005-20171202ARTFIG00012-le-clash-culture-faut-il-lire-bakhita-de-veronique-olmi.php>.